پیام
جبهه ملی
ارگان جبهه ملی ایران
شماره ۲۵ یکشنبه ۱۸ خرداد ماه ۱۳۵۹ — ۴ صفحه — ۱۰ ریال

دکترمدنی: تاروشن شدن علت دستگیری خسروقشقایی به مجلس نمیروم

دکتر سید احمد مدنی نماینده مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران در دو نامه به دکتر یدالله سحابی رئیس‌سنی مجلس، ضمن‌اعتراض شدید به‌بازداشت‌خسروقشقائی، خواستار رسیدگی به چگونگی واقعه گردیده و اعلام داشته است تارسیدگی‌رسمی به‌جریان ازسوی‌دولت‌ومجلس‌وشناسائی مسببین حادثه، از شرکت در جلسات علنی مجلس معذور خواهد بود.

دکترمدنی در نخستین نامه چنین می‌نویسد:

جناب آقای دکتر سحابی

ریاست محترم مجلس‌ـ شورای اسلامی ایران، ضمن تقدیم سلام خبر تاثرانگیز دستگیری آقای خسرو قشقائی نماینده‌مردم فارس درمجلس سخت مرا آزرده کرد و زنگ خطریست.

تمنا دارم بفوریت مسببین و عاملین دستگیر و کیفرداده‌شو ندونتیجه‌اقدام را به مجلس و ملت اعلام فرمایندو اقدامی‌انجام‌پذیرد که از این پس این چنین بی‌پروا به نمایندگان ملت که نمایندگان‌ملت است، حمله‌نشود و حقوق‌ملت و نمایندگان‌ملت پایمال نگردد.

دوستدار ـ دکترسیداحمدمدنی

نماینده مردم‌کرمان در دومین نامه خود چنین می‌نویسد:

جناب دکتر سحابی ـ ریاست محترم سنی مجلس شورای اسلامی ایران ضمن سلام خواهشمند است دستور فرمائیدنوشته‌زیرجهت‌استحضار نمایندگان محترم در جلسه علنی مجلس قرائت گردد.

همانگونه که خاطر نمایندگان محترم مستحضر است، روزچهارشنبه‌چهاردهم خردادجاری‌آقای‌خسروقشقائی نماینده مردم‌فارس‌در مجلس شورابدون‌هیچ مجوز قانونی و حتی بدون اطلاع ریاست محترم مجلس دستگیر و پس از اهانت و بازداشت حدودا ۴۸ ساعت آزاد مینمایند. این نخستین باری نیست که

بقیه در صفه ۴

خسروقشقایی پس از ۴۸ ساعت باز داشت آزاد شد

خسرو قشقایی نماینده اقلید در مجلس شورایملی جمهوری اسلامی ایران که سه شب قبل دستگیر شده بود، به‌دستور رئیس‌جمهوری‌ایران و به تلاش گروهی از دوستان بویژه داریوش فروهر، پس از نزدیک به ۴۸ ساعت که در بازداشت‌بود، تحت مراقبت افرادمسلح به خانه‌اش منتقل گردید.

جبهه ملی ایران دستگیری‌خسروقشقایی‌نماینده مجلس‌شورای‌ملی را که‌مخالف اصل ۸۶قانون‌اساسی جمهوری اسلامی بوده بشدت محکوم کرده و از اعمال‌و رفتارکسانی

بقیه در صفحه ۴

بوسیله یکی ازاهالی مشهد:

سوابق وکیل اول تهران در تلگرامی به اطلاع امام خمینی رسید

در صفحه ۳

باتوطئه‌ضد ملی تعطیل دراز مدت دانشگاهها مبارزه کنیم

برای بسیاری از دانشگاهیان و دانشجویان‌روز چهارشنبه چهاردهم خرداد ماه روزی غم انگیز و دردناک بود.

در آن روز بر سیمای بسیاری از آنها حالت نگرانی، یاس‌وناامیدی سایه‌افکنده‌بود. خیلی ها با نگاهی پر معنی و پردرد با یکدیگر و با درودیوار محیط‌دانشگاهها روبرو میشدند گوئی آنکه به وداع " آخرین آمده‌اند. آری در پایان روز چهاردهم خردادماه‌در دانشگاه ها و مدارس عالی بروی دانشگاهیان و دانشجویان‌برای مدتی نامشخص بسته شد.

از آغاز ماجرای " انقلاب فرهنگی " بخوبی احساس میشدکه هدف بستن دانشگاه‌ها است و دیگر هیچ.

تصور چنین بود که دانشگاه‌ها همچنان به سنت دیرپای مبارزاتی خود بعنوان سنگر آزادی وفادار خواهند ماند، امری که قبول و هضم آن برای خیلی ها هیچگاه خوش آیندنبوده و نیست.

در پی پیروزی انقلاب امید آن بود که برای بحرکت درآوردن چرخهای مملکت وآغاز دوران سازندگی، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و واحدهای پژوهشی این سرزمین به انجام دگرگونی واصلاحات لازم و ضروری، با حداکثر ظرفیت و توان خود برنامه مهم انسان سازی و تربیت‌نیروی‌انسانی کارآمد را دنبال کند.

امید آن بودکه شب و روز چراغ این واحدها روشن نگه داشته شود و با از میان برداشتن ضوابط نامعقول‌دوران گذشته موجبات آن پدید آید تا پیوندی هرچه نزدیک‌میان واحدهای اجرائی و مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی استوار گردد و دستگاههای مملکتی از مغزهای پرتوان دانشگاهیان آگاه و متعهد در قبال ملت، برای ایجاد حرکت‌وسازندگی با حداکثر نیرو بهره بجویند. دانشگاهیان خود را آماده ساخته بودند تا با تمامی وجود، همه فضل و دانش و علم خود را برای ایجاد دگرگونی‌های بنیادی دراین سرزمین‌در جهت ساختن ایرانی آباد و آزاد و سرفراز، بکار گیرند و خستگی ناپذیر در دو جبهه: قبول مسئولیت‌کارهای‌اجرائی و پژوهشی و تربیت نیروی انسانی آگاه، متخصص و معتقد بکوشند.

همه این امیدها با یورش به دانشگاهها و سپس توطئه بستن مراکز آموزشی و پژوهشی یکباره مبدل به یاس گشت.

از آغاز ماجرا بسیاری از آگاهان ودردآشنایان فریاد برآوردند که تغییر بنیادی، انجام دگرگونی واصلاح در دانشگاهها آری، ولی بستن و به تعطیل کشاندن آنها نه.

مملکتی که در تمامی زمینه ها با فقر نیروی انسانی کاردان مواجه است در کدام مذهب و آئین و منطقی حکم میکند تا دانشگاههایش‌را ببندند وفعالیت های وسیع خدمات درمانی و بهداشتی و فنی‌واجتماعی آنرا که‌مردمی‌ترین‌نوع خدمات ممکن است به تعطیل بکشند.

ملت ایران باید هوشیار باشد وبا آگاهی هرچه‌تمامتر بکوشد تا این توطئه بزرگ را خنثی سازد. توطئه‌ایکه منجر به فلج ساختن مملکت در آینده‌ای نه چندان دور خواهد گشت. ملت ایران به کسانی که بدون داشتن صلاحیت لازم میکوشند تا باایجاد جنجال، موجبات کنارگذاردن صاحبان صلاحیت و آگاهان ودانشمندان این کشور را فراهم آورند باید بفهماند که اجازه چنین امری را نخواهد داد. ما اگر میخواهیم تا بمفهوم واقع کلمه از هرگونه وابستگی با قدرت های شیطانی جهان برکنار بمانیم و شرف و استقلال‌وآزادی خویش را محفوظ بداریم، باید دانش و توان علمی و میزان آگاهی نیروی انسانی جامعه خودرا بالا ببریم.

برای مقابله با قدرتمندان جهانخوار، جز آنکه در کنار ایمان بخدا، بصلاح علم و دانش و تکنولوژی پیشرفته مجهز باشیم، با هیچ وسیله دیگری قادر به پیروز گشتن بر آنها نخواهیم بود وبرای مجهز شدن به صلاح علم و دانش و تکنولوژی، جز به دانشگاهها ومراکز علمی کشور به جائی دیگر نمیتوان چشم امید داشت. پس با توطئه ضد ملی تعطیل دراز مدت دانشگاه‌ها مبارزه کنیم.

بیانیه شورای مرکزی جامعه قضات جمهوری اسلامی ایران:

شرکت قضات دادسراها و دادگاههای انقلاب در انتخابات شورایعالی قضات خلاف قانون است

شورای مرکزی جامعه قضات جمهوری اسلامی ایران با معرفی ۱۲ تن از قضات برجسته دادگستری به عنوان کاندیدای‌شورایعالی قضایی طی نامه‌یی به شورای انقلاب ـ و شورای سرپرستی وزارت ـ دادگستری، نکاتی را درزمینه انتخابات شورایعالی قضایی متذکر شده است.

متن نامه‌این قضات به شرح زیر است:

شورای‌محترم انقلاب‌ـ اسلامی ایران.

شورای سرپرستی‌وزارت دادگستری.

جامعه‌قضات جمهوری‌ـ اسلامی ایران پاسداری از ارزشهای‌انقلابی‌وحقوق‌انسانی ومعاضدت‌و همکاری‌بامسئولین امور دادگستری در ایجاد جو احقاق‌حق‌و اقامه‌عدل‌ازطریق شرکت‌درتهیه‌طرحهای قانونی و نقد و بررسی لوایح قانونی را بر مبنای موازین اسلامی و ضرورتهای‌زمان از اهم‌وظایف خطیر خودمیداند و چون‌پس از پیروزی‌انقلاب‌استقرارنظام قضائی‌نوین و مردمی و ایجاد امنیت قضائی برای همه مردم شرافتمند ایران را سرآغاز و زیربنای همه‌تحولات‌اجتماعی و اقتصادی‌وفرهنگی میشناسد، از اینروبه استقلال‌قوه‌قضائیه و حسن جریان امور دستگاه قضائی‌کشور بنحویکه درقانون اساسی‌جمهوری‌اسلامی‌مابارها تاکیدوتصریح‌شده ارج‌واحترام استثنائی‌میگذارد و دراین‌راه بحق مصالح صنفی و موقعیت شغلی اعضاء خود را جزئی از کل قطره‌ای از دریا و خلاصه تحت‌الشعاع آن اصل مهم وراجح‌میشناسد. اکثریت‌قضات با ایمان و حق طلب کشور از دیربازحتی درجوآلوده‌بفساد و ظلم و تبعیضی که مخلوق رژیم منحط و طاغوتی گذشته بودبی‌هیچ حمایت و کمکی‌از طرف وزارت دادگستری حتی علیرغم مخاطرات زیانبار گردانندگان رژیم سابق با تقوای شغلی و تخصص و تجربه خود در کنار مردم ستمدیده ایران بوده‌اند و از حق‌وعدالت‌پاسداری‌کرده‌اند. امروزکه‌خشم‌و خروش یکپارچه ملتی بپاخاسته به رهبری‌امام خمینی‌بساط ننگین ظلم‌وستم را در نوردیده و انقلاب‌ما به پیروزی رسیده و متعاقب آن سازمان‌قضائی کشور از مرحله پاکسازی دقیق و حتی بزعم عده‌ای افراطی گذشته و خود راآماده خدمت‌پرثمردرجامعه انقلابی کرده است، بدیهی است‌که‌یکایک‌قضات‌شرافتمند، بیش‌ازهروقت‌بادرک‌ضرورت‌ـ های زمانی پیام جانفزا و عبرت‌انگیز بزرگترین رهبر عالم بشریت‌پیغمبر گرامی‌مارا بگوش جان‌میشنوند که فرمود "الملک یبقی مع‌الکفر و لایبقی مع‌الظلم".

اکنون که بموجب‌قانون اساسی بحق استقلال قوه‌ـ قضائیه‌واستقلال‌کشورجلوههای مختلف یک حقیقت و دوروی یک‌سکه‌اند و در این برهه از زمان که نهادهای پیش‌بینی شده درقانون‌اساسی جمهوری اسلامی بحول وقوه الهی‌یکی پس از دیگری شکل میگیرد و استقرار پیدامیکند که ازجمله آنها شورایعالی قضائی است که انتخاب سه نفر از اعضای آن شورای پنج نفری بموجب بند سه از اصل ۱۵۸ قانون اساسی حق و تکلیف‌قضات کشور شناخته شده و برای اجرای‌این‌اصل‌واستقرارایننهاد که در حسن‌جریان قوه‌قضائیه و تعیین‌اعضای شورای‌نگهبان و انتخاب‌وزیردادگستری‌نقش مهم‌و بنیادی‌دارد و بطوریکه اطلاع‌دارنددرتاریخ۵۹/۲/۱۰ لایحه‌قانونی راجع به‌انتخاب سه‌نفراعضای‌شورایعالی‌قضائی ازتصویب‌شورای‌انقلاب‌اسلامی بقائم‌مقامی قوه مقننه گذشته‌و دردست‌اجرا است که بلحاظ استقلال‌قوه قضائیه و تامین مصالح جامعه، حائز اهمیت فوق‌العاده و در خور غور و بررسی است. از اینرو جامعه قضات جمهوری اسلامی‌ایران بنا بوظیفه خود تذکر نکات

بقیه در صفحه ۴

آلودگی معابر عمومی عامل مهم شیوع وبا وانواع بیماریهاست

وزارت بهداری وبهزیستی وجود وبا در ایران ومبتلا شدن عده‌ای را بآن باطلاع عموم رساند و توصیه کرد که مردم مواد غذائی را که‌احتمال آلوده شدن آنها به میکرب وبا زیاد است با محلول رقیق پرکلرن یاآب سرکه بشویند و ضد عفونی کنند تا از مبتلا شدن به وبا در امان باشند.

این قبیل خبرها و راهنمائی‌ها رویهمرفته خوب است و خالی از فایده‌ای هم نیست ـ اما بنظر میرسد که وزارت بهداری و بهزیستی با نشر یکی دو اطلاعیه اینچنینی وظیفه خود را انجام یافته میپندارد. غافل ازاینکه‌وظیفه مهم او کوشش و جدیت در برطرف کردن منابع وبه‌عبارت دیگر کانون‌های سرایت بیماری ها واز جمله وبا است.

عمده این کانونها زباله های انباشته شده در کنار خیابانها و کوچه‌هااست که محتوی گروههای میکربها و عنصر بیماری‌زا میباشندو دراثر گرمای هوا و تخمیرهای‌متنوع بر آلودگی آنها افزوده‌میشود و حشرات از جمله‌مگسها و سگها و گربه‌ها وحتی خود مردم آلودگی‌های آنها را بداخل منازل و زندگانی خویش‌منتقل میسازندو سرایت انواع بیماری ها را صورت پذیرتر میکنند. وظیفه بهداربهاست که مرتبا" متذکر مقاماتی که متصدی جمع‌آوری زباله‌ها وآشغالهای منازل میباشند شده وآنها را به تعجیل در کار حمل و نقل آنها در ظروفی که در ضمن عبور از خیابانها ومعابرداخل و خارج شهرها گندوکثافت را درتمام مسیرخود منتشر نسازند وادار کنند.

تمام نهرها و مجاری آبها در شهرها و قصبات زباله‌دانی سکنه است حتی در خود تهران کنار نهرها و پای فشاریهای آبها محل رختشوئی و بالخصوص شستن کهنه‌های بچه‌هاست که آب شستشوی‌آن ها عموما" بنهرهای‌کنار خیابان‌ها و کوچه‌ها میریزد.

حالا این آبهاکجامیرود و بچه مصرفی میرسد وچگونه سبب ضایعات بی حساب محصولات زراعتی و آلوده شدن آنها وانتشاربیماریهادر میان مصرف کنندگان میشود. بحثی جداست و موقوف به فرصتی بیشتر. من اینقدر می توانم گفت که در بعضی جاها عده‌ای از درختان برطاقت از

بقیه‌در صفحه ۴

نامه سرگشاده به امام خمینی

گرانی قیمت‌ها با زور و شلاق مهار نمی‌شود

حضور رهبر انقلاب‌ـ اسلامی ایران‌آیت‌الله‌العظمی امام‌خمینی‌اینجانب چون‌خود در روزهای اول انقلاب ناظر بودم‌دربرابرتملق‌گویی‌شاعری درمدرسه‌رفاه آن‌امام اعتراض فرمودید (این مداحی‌ها رادر حق پابرهنگان بکنید منکه کاری‌نکرده‌ام) از اینروعرایض خود را خارج از هر پیرایه و با سادگی به حضورتان عرض می‌کنم.

تاریخ مبارزات اسلامی ایران بیانگر این حقیقت در یک قرن اخیر است که بازار همیشه سنگر استوار جهاد و بازاریان نخستین سربازان اسلامی بوده‌اند که به حکم و فتوای پیشوایان اسلامی به مقابله دشمن شتافته‌اند و نخستین آسیبها متوجه این مردان باایمان و مسلمان شده است. از قیام تنباکوتاانقلاب اسلامی ایران بازاریان از نخستین طلایه‌داران پاسدار اسلام بوده‌اند.

درزمینه‌انقلاب اسلامی این بازار بوده که نود درصد اعلامیه‌ها و نشریه‌ها و نوارها را تهیه و تکثیر میکرد و خود بنده چندبار به همین جهت دچار محدودیتها و بازداشتها شدم. خانواده‌ام به گروگان گرفته شد که البته در برابر مجاهدات سایربرادران‌بازاری کار من جز اقدامی کوچک و ناچیزی نبود. بازار آغازگر اجتماعی بود که در خیابان ری به مناسبت تولد امام‌ـ هشتم (ع) برپا شد ولی خبر شهادت‌فرزند امام این‌جلسه شادی‌را به‌سوگ و ماتم‌تبدیل کردو نخستین بار در همین جلسه عمومی بوسیله بازاریان نام امام برده شد علیرغم محاصره آن محل کمیته بازار برنامه‌خودرا در آن‌جوسنگین اجرا کرد. اجتماع مخالفان رژیم بمناسبت عید قربان در کاروانسراسنگی بوسیله‌بازاریان و اصناف انجام گرفت که چماقداران شاه مخلوع گروه زیادی از مردم را مضروب و مجروح‌ساختند. اولین‌اعتصاب عمومی توسط بازاریان تهران انجام گرفت که عکس‌العمل دولت موجب مهرو موم کردن محل کسب گروهی از بازاریان گردیدولی‌بازار نه تنهاتسلیم این فشارها نشد بلکه پیشگام اعتصابات دیگر و گسترش‌این موج اعتراضات‌به همه‌موسسات

بقیه در صفحه ۴

دکتر سیداحمد مدنی نماینده مردم کرمان در مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران در تحقیقی همه‌جانبه پیرامون علل توسعه مواد افیونی در جوامع مختلف جهان و انگیزه ابتلای جوانان به تریاک، هروئین حشیش، چرس و سایرموادمخدر، نتیجه‌گیری‌کرده است که یکی از عوامل‌مهم گسترش اعتیاددر کشورهای‌در حال پیشرفت و یا عقب‌مانده و توسعه‌مواد مخدر در اینگونه‌جوامع، سیاستهای استعماری است‌که از این رهگذر، زنجیر سیاه اعتیاد را بر دست وپای میلیون‌ها انسان، در سرزمین‌های مختلف بسته است و آنها را از جنبش‌های سازنده بازمیدارد.

اکنون با توجه به مبارزه‌ای که علیه تولید کنندگان و توزیع کنندگان موادمخدر آغاز شده و برای درمان معتادان نیز در نظر است تصمیمات قاطعی اتخاذ گردد، بی‌مناسبت ندیدیم که بخشهائی از کتاب "ارمغان شوم" که در زمینه مواد مخدر و اعتیاد توسط دکتر سید احمد مدنی به رشته تحریر درآمده و در بهار ۱۳۵۶ انتشار یافته است، منعکس سازیم‌تا نقش استعمارگران را در زمینه توسعه روزافزون مواد مخدر در جوامع بشری از زبان‌نماینده منتخب مردم کرمان در مجلس‌شورای ملی دریابیم. تحقیقات دکتر مدنی درباره اعتیادو علل گرفتاری جوانان، از حدود بیست سال قبل آغاز شده و در این مدت سه کتاب با عنوان‌های "افیون پلیدترین یادبود سیاست استعمار"، بدآموزی‌های استعمارو "ارمغان شوم" نوشته است.

****

"هر کس با دل و زبان و دست‌و دیگر امکانات‌خویش از فساد پیش‌گیری ننماید مرده‌ای بین زندگان است"
"از سخنان علی علیه‌السلام"

در عصری‌به سر میبریم و آنرا پشت سر میگذاریم که بویژه درکشورمابلای‌موادمخدر پیر و جوان‌را فرا گرفته و با شتاب هر چه بیشتر گسترش میابد. نونهالان، جوانان و سالان‌و پیران‌هریک به‌فراخور حال‌به‌اعتیادی‌روی‌آورده ودر وصف‌آن داستانها می‌سرایند و با تلاشی تمام دیگر مردم ساده لوح بی‌اراده رانیز به سوی اعتیاد می‌کشانند.

اینک‌کمتر محفلی برگزار میشودکه‌درآن‌نوعی‌ازمخدرات زینت افزای مجلس نباشد؟!

دگر باره شبح اعتیاد مخوف‌تراز‌هر زمان‌گوش‌تاگوش وطن‌مارا تسخیر کرده‌وسایه‌ی نامبارکش‌بر دوش ملت ایران سنگینی می‌نماید.

استعمارسیاه‌نیزبه‌تازگی نغمه‌های‌دیگری ساز کرده وبه وسیله ایادی‌ناپاک خریداری شده‌ی‌خویش‌انتشار داده‌است که‌مواد مخدر از سنین پنجاه سال به بالا گزند و آسیبی ندارد و از فلان بیماری هم پیش‌گیری خواهد کرد.

درنتیجه‌برخی‌ازمیان‌سالان و سالخوردگان را هم میبینیم که‌فریب خورده و در مسیرتبلیغات‌آن‌چنان‌نغمه‌های شومی قرار گرفته‌اند.

جوانان نیز که امید آینده ملت و کشورند گروه بی‌اراده وساده لوحشان خود را به اعتیاد آلوده نموده‌و ندانسته‌باحیات‌ملت‌و کشوری بازی میکنند.

استعماردرونی‌وبیرونی هم به‌چنان آتش افروزی‌ها پنهان‌و آشکار دامن می‌زنند و به‌پیروزی‌های خودشادمانه و ابلهانه می‌خندد.

در هرمحیطی که بیمار درگیر به امراض مسری پیدا شود برای آنکه دیگر افراد جامعه‌مبتلابدان‌بیماری‌نشوند، مریض را بر کنار از اجتماع نگاه داشته و به درمانش می‌پردازند.

اینک در کشور ما چه مرض مسری دیگری میتواند خطرناک‌تر و دهشت‌انگیزتراز اعتیاد رخ بنماید؟

می‌بینیم که معتادان، این بیماران‌خطرناک‌به‌آسانی باهرکس آمد و رفت دارند و جامعه‌ازمعاشرت‌باآنان‌برحذر نیست‌و پرهیز داده نمیشود.

در نتیجه گروه گروه جوانان ساده لوح و بی‌اراده بوسیله همین‌بیماران‌درگیر به‌بیماری اعتیاد‌به‌سوی‌اعتیادکشانیده شده وشمارچنان‌سرخوردگانی روزانه افزایش می‌پذیرد.

استاد صاحب‌نظر جرم شناسی‌که اخیرا پژوهش‌هائی روی نزدیک به پنج هزار نفر معتادان ایرانی بعمل آورده بدین نتیجه رسیده است که یک‌سوم از معتادان مزبور در اثر معاشرت و آمد و رفت با دوستان‌وآشنایان‌معتادخویش بدام‌اعتیاد گرفتار آمده‌اند. یک سوم دیگر هم از پدر، مادر، خواهر، برادروبستگان معتاد چنان میراث شومی را به ارث‌برده‌اند. چنانچه‌میوه گندیده‌ای‌میان میوه‌های‌سالم قرار بگیرد بسیاری از آنها را فاسد خواهد کرد.

معتاد هم حالت همان میوه گندیده را دارد، این درگیر به بیماری خطرناک و مسری‌راآزادانه‌میان مردم‌رها کنند.

پر آشکاراست که نتیجه چنان اقدامی این خواهد شد که دیر یا زود اکثریتی از جامعه به بیماری کشنده‌ی اعتیاد آلوده گردند.

بی‌حساب، بی‌نتیجه و بدون کنترل برگ اجازه استعمال موادمخدررادردست این روش خواه ناخواه راهی برای گسترش اعتیاد است، بهمین مناسبت هم دهشت‌انگیزشمارکارت بگیران معتاد کشور بالا رفته و اینک افزون بر دویست هزار نفر میباشد.

آمار زیر افزون پذیری سرسام آور شمار معتاد به اصطلاح مجاز کشور را بهتر می‌نمایاند.

سال ۱۳۲۹ حدود سی‌وهشت هزار نفر
سال ۱۳۳۰ حدود شصت‌وچهار هزار نفر
سال ۱۳۳۱ حدود نودو هشت هزار نفر
سال ۱۳۳۲ حدود صدو بیست هزار نفر
سال ۱۳۳۳ حدود صدو پنجاه هزار نفر
سال ۱۳۳۴ حدود صدوهشتاد هزار نفر

با ترکیبی که بهر حال حدود سی‌هزار نفر معتاد از شصت سال به بالا به‌شمار کارت‌بگیران‌وکوپن‌داران‌رسمی که‌ازسوی‌دولت تغذیه میشوند افزوده‌میگردد، دیری‌نخواهد پائیدکه بیماری اعتیادمجاز، جمعیت عظیمی از مردم وطن ما را در برگیرد و همین گروه معتاد به اصطلاح مجاز است که هسته‌ی‌مرکزی جمعیت‌معتاد غیرمجاز کشور را تشکیل‌داده و با همکاری قاچاق‌چیان‌مواد مخدر تازه واردین را نیز پذیرائی می‌نماید.

از برکت همین ندانم کاری‌هااست‌که امروز میلیون‌ها نفرایرانی را اسیر اعتیاد می‌بینیم.

بدون‌پیرایه‌و تکلف‌باید گفت که اگر گامهائی اساسی و بنیادی‌علیه‌گسترش‌موادمخدر برداشته‌نشود‌آینده‌ای دهشت انگیزتراز حال‌خواهیم‌داشت.

بدیهی است اقدامات صرفا تبلیغاتی و مجازی هم اثرات بایسته‌را به‌بار نخواهدآورد.

سوخته‌های تریاک به اصطلاح مجاز مصرف شده نیز مسئله‌دیگری‌است، ظاهراهیچ معلوم‌نیست‌سوخته‌های حاصل شده‌از فروش تریاک مجازبه‌چه مصرفی رسیده یا میرسد، زیرا دست کم استعمال چنان سوخته‌هائی دیگر مجاز نبوده و نمی‌باشد.

البته‌از دیدما هیچ‌گونه ابهامی‌نسبت‌به‌سرنوشت‌سوخته حاصل‌شده مزبور وجود ندارد زیرا پر آشکار است که تبدیل به شیره شده و میان بینوایان پرشمار دیگری پخش گردیده است.

در این میان بی‌تفاوتی برخی از ابناء‌وطن‌ماهم‌دردی بردردها افزوده، زیرا بخشی ازجمعیت‌ایرانی امروز دربرابر روی آوری پلیدی‌ها یا تسلیم است یا بی‌تفاوت و نامبارز، در نتیجه راه برای پیش‌روی اعتیادصاف‌وهموارمی‌نمایاند.

از سوی‌کارگزاران دولت هم‌گامهای‌اصولی علیه‌گسترش موادمخدر برداشته‌نشده‌است زیرا با انجام برنامه‌های تبلیغاتی‌زودگذر، آنهم‌مجازی و بی‌پایه که نمی‌شود بنیاد اعتیاد را از ریشه برکند و از مرزو بوم‌این‌کشور بیرون‌راند.

بهمین مناسبت‌نه تنها شمار قاچاق‌چیان موادمخدر و معتادان‌به چنان‌موادجانکاهی کاهش نپذیرفته، بلکه روزانه افزایش هم یافته است.

برای اینکه در پیکار مقدس‌خویش‌نتیجه‌ای‌اثربخش بگیریم‌باید راهی طی کنیم‌که پیش‌گامان‌موفق پیموده‌اند واز میان گروه پیروز مزبور ملت چین شاخصیت دارد.

دنباله دارد

به مناسبت مبارزه با تولیدکنندگان وفروشندگان مواد مخدردر ایران

اعتیاد به مواد مخدر
ارمغان شوم استعمارگران

دکتر سید احمد مدنی

مسلمانی در چیست و مسلمان واقعی کیست؟

احمد خلیل الله مقدم

در مدت ۲۵ سال رژیم آریامهری، هرکس که مخالف سیاست روز بود ضد امنیتی‌و مخالف قانون اساسی نامیده می‌شد و اکنون مخالفان را ضد انقلاب واسلام می‌نامند. ما در این مختصر می‌کوشیم تا به بیانی ساده، اسلام راستین رابازگوئیم‌وبرداشتی راکه از اسلام داریم و آنچه را که از تعلیمات الهی پذیرفته‌ایم وبه روح وروانمان نشسته است‌برای همه مردمان آزاده و فرزانه آشکار سازیم و بگوئیم‌که اسلام‌راستین مکتب مردمی و مردانگی و بخشش و بزرگواری است نه بازارتهمت و افتراء و دشنام.

متأسفانه سالهاگسترش مکتب اطاعت و چاپلوسی و تربیت بنده پروری حتی در بخشی ازشریف‌ترین فرزندان این آب و خاک نیز اثر نا- مطلوبی به جای نهاده است و آنان را از تقوی و اخلاصی که لازمه اسلام راستین یعنی "آزادی و مساوات" است‌دور ساخته است. پیامبر گرامی اسلام نخست تنها یک اصل را برای خدا شناسی وپذیرش اسلام ارائه میداد ومی‌فرمود (قولوا لااله الاالله‌تفلحوا) "بگوئید خدائی جز خدای بزرگ‌نیست تارستگارشوید".

پس هر کس که بگوید "اشهد ان لااله الاالله" یک موحد (یکتا پرست) است و چنانچه این فردبه "نبوت و معاد" نیز اعتقاد بیابد آنگاه یک مسلمان می‌شود و بنا به آیه شریفه "واعلموآ ان الله یعلم و مافی‌انفسکم" هیچ‌کس‌درهیچ‌مقامی‌حق‌ندارد که‌این فرد را نامسلمان بخواند و به وی توهین کند زیرا در قرآن آمده است که "لیس علیک هدیهم ولکن الله یهدی من یشآء" (ای رسول بر تو دعوت مردم است نه هدایت آنان ولیکن خدا هر که را خواهدهدایت کند).

به این می‌گویندا‌سلام راستین که منکی به اندیشه این و آن نیست و اگر آیه شریفه "لااکراه فی‌الدین قد تبین الرشد ومن یکفرا..." را هم پهلویش بگذاریم و این مجموعه را هادی و راهنمای خود قرار دهیم بدون هیچگونه تردید مسلمانیم‌ودشنام‌های عده‌ای چماق به دست و بیانات- فرماندهانشان باد هواست.

اما این اسلام راستین که پذیرفته شده‌دارای دواصل دیگر هم هست. یعنی اگر عمیقا" به مفاهیم تعالیم اسلام و سنت پیامبر گرامی و... بپردازید در می‌یابید که علت گسترش اسلام تنها توحید (که در ادیان دیگر هم وجود دارد) نیست بلکه اصل "آزادی ومساوات" است که اسلام را از ادیان دیگر مشخص و متمایز ساخته است که متأسفانه‌اکنون می‌خواهند به جای این دواصل عالمگیر بنیادهای "ترس و فرمان- برداری" رابنشانند که مسلما" توفیق نمی‌یابند و عرض خود می‌برند و زحمت ما می‌دارند.

گفتیم (اصل آزادی‌و مساوات) یعنی اینکه بهمان گونه که به قدرت نشستگان کنونی اجازه یافته‌اند که با تهمت وافتراء (برخلاف روح اسلام) بندهٔ نوعی را بیازارند. بندهٔ نوعی هم اجازه داشته باشم گفتار خلاف اصول را (از جانب هر کس که باشد) تکذیب‌کنم که فعلا" چنین چیزی ممکن نیست ومساوات‌حتی در اجازه از دفاع و حیثیت و شرافت آدمی رعایت نمی‌شود و من حاضرم در هر دادگاهی با تفویض آزادی ثابت کنم که نه آزادی صدر اسلام رعایت می‌شود و نه آزادی مبتنی بر حقوق بشر. اکنون گروهی نادان و چماق‌دار که خود را مظهر مظهرمسلمانی میدانند اما در حقیقت مظهری از ارتجاع و دوران جاهلیت می‌باشند به اشاره عوامل شناخته و ناشناخته‌ای به تندی‌دست‌به اعمالی‌زده‌اند که نتیجه‌ای برای اسلام و مسلمانی در برندارد و از ارزش اسلام درانظارجهانیان می‌کاهد. اینان مملکت را جولانگاه خود ساخته‌اند و اسلام راتنها دررفتار وگفتار نابخردانه خویش خلاصه می‌کنند و متأسفانه به نحوی نیز مورد تایید قرارگرفته‌اند و جلویشان را باز گذارده‌اند که این توهم بوجود آمده است که اسلام همین چیزی است‌که‌این به اصطلاح "حزب اللهی" ها می‌گویند درحالی که مظهر اسلام راستین آن- هائی می‌باشند که عمیقا" به "آزادی و مساوات" معتقد بوده و درراه این اصول جان می‌دهند. زیرا اگر توحید تنها را بپذیرند که دیگرلازم نیست تا در راه اسلام عزیز جان بدهید چون بنابه آیه‌ای که آمد پروردگار درهدایت و ارشاد آدمیان و حفظ فرامین خودتواناست ونیازی به‌بنده وجنابعالی نداردپس مسلمان واقعی کسی است که بخشش و جوانمردی، اخلاص، عزت نفس، ... را که مبتنی بر "آزادی و مساوات" است دنبال کند.

به هر حال چه مردمان روشنفکر و آگاه را مسلمان بدانید وچه ندانیدهمانگونه که‌امام‌در۵۸/۳/۲۱ فرمودند "یک روحانی ممکن است مملکت را نجات بدهد و یک روحانی مملکت را به هلاکت برساند" اکنون که کارهادر- بست دردست‌روحانیت است پس تنها آن‌ها مسئول همه رویدادها هستند و باید جوابگوی نسل امروز و تاریخ فردا باشندوروشنفکران‌وطن- خواه‌وشایسته‌که اسلام‌راستین را شناخته‌اند در این میانه، نه مسئولیتی دارند و نه در آخرت‌گناهی را به حسابشان خواهند نوشت.

می‌توان‌گفت‌همه‌آنهائی که‌در رژیم‌گذشته‌به نام‌اسلام درروپاروئی باطاغوت ازجان ودل‌می‌کوشیدندو مورد دشنام و ناسزا قرار می‌گرفتند اکنون نیز مورد تهمت و افتراء قرار گرفته‌اندو همه آن‌هائی که‌در آن‌رژیم سر بر سفره وازتعرض مصون‌وتماشاگرجنایات‌بیشمار بودندحال از این نمط طرفی بسته‌اند و این با هیچ یک از موازین اسلامی، اخلاقی، انسانی مطابقت ندارد. نه‌با اسلام علی (ع) و اباذر و نه با اسلام سلمان که شاید هارون‌الرشیدچنین‌کرده‌باشد. یعنی‌ما‌از اسلام‌اموی به‌اسلام عباسی یا صفوی درغلتیده باشیم.

بایددید که جامعه‌آگاه امروزی ایران چه می‌گوید و چه می‌خواهد. روشنفکران آزاده و متعهد که تا دیروز برچسب "ضدامنیتی" خورده بودندوحالاانگ "ضدانقلاب" بدان‌هازده‌می‌شودمی‌خواهند تا فرهنگ غربی که مبتنی بر مکتب فرد پرستی است و به چهره‌های گوناگونی تجلی یافته است از میان برود و مردم‌بدون ترس و دلهره بر مبنای‌تعالیم اسلام (که‌دارد فراموش می‌شود) زندگی‌کنند و برخلاف‌آیه شریفه "لااکراه فی‌الدین..." چماق تکفیر به‌مغزشان کوبیده نشودومورد ایذاء و آزار مشتی نادان و فالانژ قرار نگیرند. ملاحظه بفرمائید که هیچ جای این خواسته مغایر با بنیادهای اسلام راستین نمی‌باشد ولی برعکس‌بیشترین رفتار وگفتار آنانی‌که به نام اسلام عمل می‌کنند فاقد مبانی اخلاقی‌و اسلامی است.

اسلام محمد (ص)، این حق‌را به هیچ کس نداده‌است که تنها خود را مظهر اسلام و مسلمانی بشناسد. البته در طول این پانزده قرن سلاله‌هائی چون امویان، عباسیان، صفویه خویشتن را مظهر اسلام معرفی کردند و عوام‌الناس نیز یک چندی پذیرفتندامابالاخره‌کوس رسوائیشان‌را در تاریخ زدند (هرچندکه‌این‌روزها به‌قدرت نشستگان‌را با تاریخ ونام‌نیک، کاری نیست).

اسلامی‌که‌ما پذیرفته‌ایم، اسلامی است که میان سید- قریشی و سیاه حبشی تفاوتی نمی‌گذارد و حرف حساب هر دو را می‌شنود و می‌پذیرد اما این اسلامی که اکنون ارائه شده‌است دارای‌این‌خصوصیات نیست.

بقیه در صفحه ۳

اشتباه غرب

اکسپرس ــ ۲۴ مه ۱۹۸۰
نوشته: ریمن آرن
ترجمه: دکتر هوشنگ فرزامی

همان روزیکه جواب‌های ریاست جمهوری فرانسه را که برای ژان فرانسوا رول نوشته بود میخواندم، جزوه‌ای از اکساندر سولژنتیسین تحت عنوان "اشتباه غرب" به دستم رسید. که در آن از تشنج‌زدائی دفاع شده بود. آقای رئیس جمهور دراین‌وقت اوضاع مجارستان و لهستان را یادآوری کرد و گفت این دو جامعه از جوامعی هستند که از لحاظ زیربنای اجتماعی عمیقا" متحول شده‌اند ولی اتحاد جماهیر شوروی رژیم دمکرات نداشته چون زیربنای دمکراسی لازم را یک رژیم دمکراتیک را که علت‌العمل پیشرفته است نداشته است و هرچند سوسیالیسم درکشورهای مجارستان و لهستان از خارج و در اثر حضور نیروهای مسلح شوروی به آنها تحمیل شده ولی ریشه واساس سوسیالیسم این دو کشور قبل از هرچیز با ریشه سوسیالیسم اتحادجماهیر شوروی که از گذشته‌های سنتی روسیه الهام گرفته فرق دارد، این استدلال و توضیح‌که‌بخودی خود ریشه سوسیالیسم را در گذشته‌های روس جسته باعث هیجان من شد، ودرست بر خلاف نظراتی است که آقای الکساندر سولژنتیسین ابراز میدارد.

" دراین سالهای اخیر مثلا "مورخین آمریکائی ازوقایع مهم و بی نظیری که از قرن بیستم در روسیه ودیگرکشورها بعلت خاص بودن موقعیت پدیدهٔ کمونیسم پدیدآمده‌ودر تاریخ بشری هم باندازه کافی ذکری از آن بمیان نیامده غافل بوده‌اندو تا زمانیکه کمونیسم به تحسین از جهان غرب ادامه میداد غرب هم او را بعنوان طلیعه افق روشن یک دوران جدید تحسین مینمود. ولی از وقتیکه کمونیسم محکوم شد همه عجله دارندکه در باره او چنین قضاوت کنند که سوسیالیزم روسیه‌ازگذشته‌های روسیه سنتی یعنی انقیاد و عبودیت بردگی ملت روس الهام گرفته است".

ژنرال دوگل با اطلاع و الهام از نظرات مورخین ملت‌ها در سخنانش با اطمینان خاطر بجای کلمه‌اتحادجماهیرشوروی کلمه روسیه را بزبان میآورد، چون قانع شده بود، که‌تکنولوژی ها زوال پذیرند در حالیکه آنچه باقی می‌ماندوزوال‌ناپذیر است ملتهاهستند، فقطاستالین بود که این تئوری را اعجاب انگیز دانسته و معتقد بودکه محکم‌ترین و استوارترین تئوریها ورژیمش، مستحکم‌ترین رژیمهای جهانی است، چون استالین‌این تئوری را به سلیقه و آئین خودش دوست داشت‌و متقابلا این تئوری هم او را بعنوان یک تزار قبول کرد.

با این وضوح ما بین‌روسیه تزاری و اتحادجماهیر شوروی بعضی تشابهات و همبستگی‌ها وجود دارد. بطوریکه ملاحظه میشود نحوه سیستم اداری سازمانهای زمان تزار بهیچ‌وجه دگرگون نشده و در رژیم فعلی هم وجود دارد. حتی‌سنت- های‌سابق نیز بیکبار تغییر نکرد، بلکه بصورت سابق باقی‌هستند و باید دانست که‌وجوداستبداد

بقیه در صفحه ۳

بوسیله یکی از اهالی مشهد

سوابق فخرالدین حجازی در تلگرامی باطلاع امام خمینی رسید

آقای سید محسن محسنیان ساکن مشهد با ارسال نامه‌ای به پیام جبهه ملی خواستار درج رونوشت تلگراف خود که در تاریخ ۵۹/۳/۵ طی شماره ۳۹ بحضور امام خمینی مخابره گردید شده‌اند. در این تلگراف مطالبی را در مورد سوابق آقای فخرالدین حجازی نماینده اول تهران بعرض رهبر انقلاب رسانیده و نمونه‌ای از مقالات آقای حجازی را در روزنامه‌های سالهای گذشته نیز ضمیمه کرده‌اند، ما عینا نامه و متن تلگراف آقای سید محسن محسنیان را بحضور امام خمینی و متن مقاله آقای فخرالدین حجازی را که مربوط به ۲۷ دیماه ۴۱ میباشد چاپ میکنیم و اگر در این زمینه از طرف آقای حجازی نیز پاسخی داده شود بچاپ آن اقدام خواهیم کرد. اینک متن نامه آقای محسنیان به روزنامه:

روزنامه محترم

پیام جبهه ملی ـ رونوشت روزنامه‌های بامداد ـ کیهان ـ اطلاعات ـ انقلاب اسلامی خراسان جنبش ـ امت ـ مجاهد جمهوری.

خواهشمند است فرم پیوست که متن تلگراف به امام امت، خمینی بت شکن، در رابطه با سوابق عملکردهای فخرالدین حجازی، وکیل اول تهران، باطاغوتیان می‌باشد جهت اطلاع عامه خواهران و برادران انقلابی امر بدرج فرمائید، تا شاید از این طریق بتوانیم کمکی در پاکسازی محتوی انقلاب خونین اسلامی نموده و حرمت خون همه شهدا راه حق و عدالت را ارج نهاده باشیم.

با تشکر فراوان
برادرشما، سیدمحسن ـ محسنیان
تهران ـ محل اقامت گاه امام

متن تلگرام به امام خمینی

پدر عزیزم و امام امت، خمینی بت شکن.

بعد از سلام سخنرانی روز چهارم خردادماه ۵۹ در اجتماع وکلای مجلس شورای ـ اسلامی حضور شما بنام آقای حجازی که به عادت فرهنگ طاغوتیان سخن گفت و شما با الهام از خطبه مولای متقیان علی علیه‌السلام بر مردم شهر انبار یا کوتاه سخن ضمن تادیب او فرهنگ متعالی و انقلابی و توحیدی اسلام را آموزش دادید.

اینک از باب (فذکر ان الذکری تنفع المومنین) ودیگر بیان تعهد آور قران (ان تقوموا لله مثنی و فردی) احساس نمودم که مختصری از سوابق این سخنگوی متملق را بمنظور پاکسازی محتوی انقلاب اسلامی و پاسداری از خون شهیدانمان متذکر شوم.

نامبرده از همکاران متعهد سلطه‌ها ریمنی طاغوتیان جنایتکار طول سالیان دراز در مشهد بود و در پست‌های خطیب فرهنگ طاغوتی و سر ـ دبیری روزنامه‌های ساواکی (هیرمند و خراسان) به ترویج نیات پلید استبداد سیاه پهلوی اشتغال داشته و سرمقاله شرم آور معروف ایشان در روزنامه هیرمند سال پنجم شماره ۲۱ مورخ ۲۷ دی‌ماه ۴۱ تحت عنوان (آری یا نه) که جانبداری اورا از طرح لوایح ششگانه شاه جانی خائن مخلوع و عدم اعتقادش را به انقلاب اسلامی و رهبری آن نشان میدهد. شاهد گویائی بر گذشته سیاهش می‌باشد.

و معلوم نیست که چه دستهای مرموزی او را از صندوق انتخابات تهران بعنوان وکیل اول درآورده و گستاخی بیشتر آنکه باو جرات داده باوجود و حضور شخصیتهای مذهبی انقلابی فراوان در آن مجلس در محضر رهبر قاطع و تسلیم ناپذیری چون شما بایراد شعارهائی اقدام کند.

بی‌شک اگر من در آن محفل بودم بیاد ابوذر گفته پیامبر گرامی را که فرمود (احوالتراب علی وجوه المداحین) عمل می‌کردم ویا در اجتماع پرشکوه مراسم نماز جمعه تهران که حضور او با آن گذشته آلوده توهین به پیکر نوپای انقلاب اسلامی است سخن گوید و با سوء استفاده از عواطف پاک مذهبی مردم تحریک بر نفاق کند.

امام امت. من یک کشاورز هستم و سی سال از عمرم را در راه تحقق آرمان مقدس حاکمیت نظام انسانی مکتب جهانی اسلام عزیز و نفی استبداد و استثمار و استعمار و استحمار گذرانده‌ام واینک که طلیعه تابناک جهانی استقرار جمهوری اسلامی بزعامت آن رهبر مصمم وقاطع مبین گردیده در راه تداوم و گسترش آن لحظه‌ای فروگذار نخواهم کرد و بهمین منظور این مکتوب تلگرافا ارسال خدمت کردید و انتظار دارم به حرمت خون شهیدان انقلاب اسلامی دستور بفرمائید هیئت تحقیق در مجلس شورای اسلامی در تصویب اعتبارنامه آقای حجازی باعنایت به اصل علم انساب و امعان نظر همه جانبه اقدام فرمایند که مارا تحمل سرزنش نخواهد بود. امید آنکه خدای تعالی ما را مشمول هدایت و رحمت خاص قرار دهد تا در زمان ما و بدست ما و رهبری قاطعانه شما به نغمه امید سخن آفرینش تحقق بخشیم که فرمود: "لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون".

قربانت سید محسن ـ محسنیان

* * * * * *

متن سرمقاله تحت عنوان:
آری یا نه به قلم فخرالدین ـ حجازی که در روزنامه هیرمند سال پنجم، شماره ۲۱ مورخ ۲۷ دیماه ۴۱ در تائید لوایح ششگانه شاه جانی مخلوع و علیه مردم و نهضت و انقلابیون و رهبر آن امام خمینی درج و نشر گردیده است:

آری یا نه

آیا کشاورزان شلاق خورده باید هم چنان در تابه سوزان صحرا بگدازند و با دستهای استخوانی خود جوالهای محصول را در انبار ارباب خالی کنند یا آنها هم صاحب آب و زمین شوند و بازوان ناتوانشان بنفع خود و خانواده‌شان بکار افتد؟!!

آیا کارگران رنجبر ما باید در لای دندانه‌های ماشین منافع سرمایه‌دار مظلومانه له شوند و نیروی انسانی آنها شب و روز در برابر چند سکه سیاه بهدر رود یا آنها نیز می‌توانند در منافع تولید خویش سهیم باشند؟!

آیا دولت هم چنان کارخانه‌ها را در اختیار خود بگیرد و هزینه‌های فراوان در برابر املاک مالکین به آنها سپارد تا هم مزارع ملاکان در اختیار زارعان قرار گیرد و هم کوشش صاحبان ملک در طریق تولیدهای صنعتی اعمال شود و صنعت و کشاورزی کشور توامان ترقی کند؟! آیا جنگلهای ایران را که یکی از منابع بزرگ تولیدی و منطقه سرسبزی و آبادانی کشور است و به حقیقت به تمام مردم تعلق دارد، همچنان بدست مالکین متجاوز بسپارند و هر روز صدای اره و تیشه چوب برها محو آثار عمرانی این کشور را علام کند یا این مراکز خرم را ملی کنند و طبق اصول صحیح جنگلداری به نفع خزانه مملکت از آنها بهره گیرند؟!

آیا قانون انتخابات هم چنان بنفع زورمندان و صاحبان زر و نفر در صحنه بهارستان را از مشتی عناصر سودجوی و خودپرست بی‌سواد و اشرافی پرکند و بدولتهای نادرست اجازه دخالت و انحراف دهد و یا با رفورمی تازه راه را بروی نا اهلان سد کند و به تیپ روشنفکر و فهیم اجازه دخالت در سرنوشت اجتماعی و سیاسی ـ شان را بدهد و آنها را که فکری سلیم و روحی پاک و مغزی روشن و سابقه‌ای درخشان دارند بر کرسی نمایندگی جای دهد و مملکت را به نیروی اصیل مردمان بسوی پیروزی محتوم بکشاند؟!

و بالاخره آیا روستائیان ما همچنان در زندان تاریک نادانی مقید باشند و سفیدرا از سیاه و منفعت از زیان نشناسند و گوسفند وار بدنبال ارباب راه افتند و خود را به آب و آتش بیندازند و عناصر ذی‌نفوذ و سودجوئی را بر دوش خود سوار کنند و یا آنها هم از نعمت خواندن و نوشتن وکسب کمال و مطالعه اوضاع جهان بهره برگیرند و شخصیت ارزش خویش را به واقع دریابند و مستقیما به جلب منافع خویش و نگهبانی ملیت و مملکت بپردازند و خارکش غول بیابان نگردند؟!

اینها سئوالی است که از سوی رئیس مملکت مطرح شده و مردم به آن باید پاسخ دهند و درست است که روز ششم بهمن کارتهای سفید ورنگین آماده می‌شود و سئوال آری یا نه در معرض تصویب ملی قرار می‌گیرد، ولی مسلم است که این پاسخ مثبت است و هرفکر سلیم به این پرسشهای مفید جواب موافق می‌دهد تا این زنجیر و تار عنکبوتها که بر دست و پای ما بسته شده و خانه ما را به فقر و کثافت کشیده بگسلد و راهی بسوی سعادت روشن باز گردد و این حقیقتی است مسلم و اجتناب ـ ناپذیر که با نوامیس طبیعت هم گام و هم آهنگ است و اگر روزی هم نیروهای اهریمنی نخواهند این گردونه را بر ـ خلاف مسیر طبیعی اش بحرکت آورند دوباره با قدرتی بیشتر بر مدار خود می‌گردد و آنچه را بر سر راه خویش بیابد در هم می‌کوبد متاسفانه این حقیقت روشن بر بسیاری از افراد متحجر که در پوستی ضخیم از منافع خویش فرو رفته‌اند نامشهود است. ولی لامحاله جبر زمان شکسته می‌شود و واقعیت را عریان و مسلم نشان میدهد و هرگونه قدرتی را دربرابر این حقایق مسلم هر چند برای گروهی تلخ و ناگوار باشد بزانو درمی‌آورد بامید آنکه دورانهای سیاه ارتجاع و تجاوز و ناسازگاری پایان یابد و قشر اصیل ملت برای دریافت حقوق خویش برخیزد و دیگر از روزگاران تاریک و ستم خیز پیش جز خاطره‌ای تلخ چیزی بجای نماند و جای آنرا حلاوت پیروزی فرا گیرد.

فخرالدین حجازی

اشتباه غرب ..

در اتحاد جماهیر شوروی ناشی از وجود بقایای سنت‌های روسیه نمیباشد، چون اگر به وجود روشهای خاص استبدادی در کلیه کشورهائیکه تحت سیطره حزب مارکسیست ـ لنینیست هستند نظر افکنیم، معلوم نبود که وجود طبیعت و خاصیت اصلی روس در رژیم سوتیک بی‌اساس است، پل پت بهمان اندازه در کامبوج ابدی مستبد است، که استالین در روسیه ابدی.

سولژ نیستین وقتی افسانه ها و داستانهای معمولی و جاری غرب را بررسی و تفکیک میکرد حقیقت را گفته. او میگوید در روسیه تزاری اساسا او وجود "اردوگاههای کار اجباری" خبری نبود، و حتی فکرتاسیس آن هم بخاطر کسی خطور نمیکرد. زندانهای دولتی هم بندرت وجود داشت وبهمین جهت هم بود که زندانهای سیاسی (باستثنای افراد تروریست) از جمله بولشویک‌ها را به تبعید گاههای راحتی میفرستادند که در آنجا همه گونه وسائل راحتی و معیشت وجود داشت و در آنجا بخوبی از آنها بهزینه دولت پذیرائی و تغذیه میشد. در آن وقت حتی کسی آنها را مجبور بکار کردن نمیکرد. از آنجا هم هر کس می‌توانست بدون اینکه مانعی برایش ایجاد کنند، بهر کجا که خواست برود دانشگاههای روسیه در طی آخرین دهه‌های دوران تزاری از آزادی کامل فکری و عقیدتی برخورداری بودند، از آزادی که در دانشگاههای غرب معمول بود، برخوردار بودند، پلیس مخفی تزاری که در آن زمان تحت نام (ک ـ ژ ـ ب) بود بعنوان یک سازمان حرفه‌ای نظیر موسسه (ام ـ ب آی) بود.

بنابراین معلوم میشود استبداد منشاء روسی نداشته بلکه سرطان قرن ما است، در این قرن ماست که آزادیهای بیان عقیده و آزادی افکار و اندیشه بهیچوجه در بعضی از جوامع وجود ندارد و قدرت ـ های مطلقه با توسل به تفتیش عقاید افکار، عقاید جوامع خود را کنترل مینمایند.

بهتر است کمی به واقعیت بیاندیشیم جوامع بشری، تحت رهبری ایدئولوژی مارکسیست ـ لنینیست، سعی دارد که موجودیت خود را با توسل به ایدئولوژی که ساخته و پرداخته خود آنهاست و با واقعیت هماهنگی ندارد، قانونی قلمداد و توجیه کنند، و آنرا بسایرین تلقین و بقبولانند.

از سوی دیگر جوامع بشری یاد شده بطور غیرقابل اجتناب افراد را در امور اجتماع خود وارد ساخته سپس با توسل به بوروکراسی عمومی، آنها را برای همیشه تحت کنترل و نظارت دقیق خود قرار میدهند. شوئنیسم از اتحاد و همبستگی یک حزب که مومن و معتقد به دست گرفتن قدرت مطلقه است بوجود میایند، و پس از بدست آوردن قدرت مطلقه، به بوروکراسی کردن جامعه بخصوص از نوع صنعتی کردن تمدن جامعه می‌پردازد.

البته تواریخ کهن جوابگوی افرادی است که معتقد به عقل سلیم خود هستند. حکومت اتحاد جماهیر شوروی بهیچوجه ارتباطی با ایدئولوژی لنین ندارد و با آن بیگانه است و با اینکه این ناظران شکاک آنها را میخوانند با این احوال اعتقادی به آن ندارند، خوب بود که خیالپردازان سرخ برای یک مرتبه هم که شده میتوانستند بفهمند که طبیعت کمونیسم در جهان فعلی در کلیه کشورها یکسان و مشابه است.

کمونیست همیشه ضدملی بوده و هست و وظیفه‌اش انهدام احزاب و سازمانهای ملی است که بجای آنها مستقر شده و به توسعه و گسترش خود بپردازد و سپس نابودی و مرگ را برای ملت‌های همسایه به ارمغان ببرد. چند روز پیش بود که در آکادمی سلطنتی ایرلند مصاحبه‌ای درمورد سیاست خارجی اتحاد شوروی داشتم، در این موقع مشاجره بین سولژ نیستین و ساخاروف بخاطرم آمد و مطرح کردم و من نیز از اولی طرفداری کردم که گفته بود آری اتحاد جماهیر شوروی توسط مارکسیست ـ لنینیست‌ها اداره میشود. بر حسب معمول یکی از اعضاء آکادمی ایرلند که استاد کرسی زبان در دانشگاه ایرلند و درعین حال سخنش نیز دلنشین است با طنز جواب داد و اظهارات او را رد نمود و گفت: معتقد قدیمی واقعا حرفهایش را نباید جدی گرفت و چنین نتیجه گرفت که فرمانروایان مستبد مسکو تئوریهای کار را که خود از آنها بهره میجویند وقیحانه به باد مسخرگی گرفته‌اند. در مقابل یکی از نمایندگان سفارت شوروی مرا مطمئن کرد که فقط در یک نکته کاملا با من موافق است و آن اینکه رهبران مسکو مارکسیست ـ لنینیست هستند و خواهند بود. پس برای چه آقای ژیسکاردستن به این موضوع شک داشته باشد مگر هم او نبود که مناظره ایدئولوژیک را در اولین خطابه خود در سال ۱۹۷۵ در مسکو پیشنهاد کرد و فراموش نکرده است که با ریشخند و اخم برژنف مواجه شد.

مسلمانی در چیست ...

گذشته از یکتا پرستی (توحید) اگر "آزادی و مساوات" (دورکن اساسی خلقت) را از اسلام بگیرید که با ادیان دیگر فرقی ندارد. با قبول توحید و نبوت و معاد نه تنها اسلام جهانگیر نخواهد شد بلکه منطقه‌گیر هم نخواهد شد. جدا کردن "آزادی و مساوات" از اسلام اگر گناه نباشد دست کم کار پسندیده‌ای نیست زیرا اسلام راستین یعنی "آزادی و مساوات" وانگهی بنا به گفته امام "انسان واقعی فطرتا یک انسان آزاد شده است" و کسانی که به آزادی دیگران اندیشه ندارند یا آزادی را زائد می‌شمارند و ذاتا وعملا می‌کوشند تا آن را ازبین ببرند بطور قطع و یقین از اسلام راستین نشانه‌ای ندارند.

بهتر است کسانی که تازه مسلمان شده‌اند و اسلام را برای مقام و منصبی که در آن سراغ گرفته‌اند برگزیده‌اند و اگر خدای ناکرده زبانم لال فردا حادثه‌ای پیش آید به آنجا می‌گریزند که تا یک سال و نیم پیش در آنجا بودند نظرگاه خود را درمورد "آزادی و مساوات) ابراز دارند و بدانند که عدم پذیرش "آزادی و مساوات" یعنی ایمان به یک نوع "بی‌دینی".

کسانی که سابقه مبارزه سیاسی، اجتماعی ندارند و یک چندی تصادفا در مسیر این مبارزه قرار گرفته‌اند باید بدانند که بدون توجه به اصول یاد شده و رعایت دیگر موازین اجتماعی به نام اسلام دست به اعمالی می‌زنند که روح اسلام از آن بیزار است.

اسلام یعنی حکومت قانون و مقررات الهی (قرآن) و رعایت اصول و تمایلات مردمی و پسندیده (شورا)، درمدت ۲۵ سال می‌گفتند که "فرمایشات شاهنشاه مافوق قانون است" و خلق قهرمان ما در این مدت دراز برای این جنگید تا ثابت کند که فرمایشات هیچ فردی برتر از قانون نیست و باید تنها قانون به جامعه حکومت کند و اکنون دو گروه مشخص در سیاست ایران خودنمائی می‌کنند. یک گروه که چنین اندیشه‌ای دارند و مسلمان اند و گروهی که چنین نمی‌اندیشند و برای اینکه از قافله عقب نمانند فریاد برآورده‌اند "که مسلمانی نیست"

خواه و ناخواه ناچار خواهید پذیرفت که هیچ وقت حاکم، بالاتر از قانون نیست وحق است که حاکم را بوجود می‌آورد و کسانی که به جای محبت و برادری زور و تهمت را پیشه خود ساخته‌اند، برخلاف مسیر اسلام راستین گام بر می‌دارند.

به ما یاری دهید

ادامه انتشار و توسعه فعالیت پیام جبهه ملی در گرو یاری کمک‌های بزرگ و کوچک تو هموطن گرامی است.

دفتر روزنامه و حساب شماره ۳۱۱۴۲۵ بانک تجارت (ایرانشهر) شعبه میدان انقلاب اول خیابان آزادی آماده دریافت کمک‌های نقدی است.

از هموطنان عزیزی که به حساب مزبور کمکهای خودرا واریز مینمایند خواهشمنداست یک برگ فتوکپی حواله بانکی را به دفتر روزنامه ارسال دارند.

ما و خوانندگان

رشت ـ آقای حسن ماسالی ـ نامه مفصل شما در مورد مخدوش بودن انتخابات طوالش و دخالتهای بی جا درامر انتخابات رسید. خیلی جاها از انتخابات ناراضی‌اند و باصطلاح برهر که بنگری بهمین درد مبتلاست.

دوستان عزیز آقایان ابراهیم رحیم زاده از صومعه‌سرا، مجید جمیلی از سبزوار با اهداء کمکهای مالی مبارزه ما را تائید کرده اند، سپاس خودرا تقدیمشان می ـ داریم.

آقای مجید مجیدی تبریزی ـ نامه مشروح درمورد وضع ناهنجار و درد آور روستائیان روستاهای ده‌چنار ونعمت‌آباد و علی آباد واینکه سیب‌های گندیده وکال باغ اشرف پهلوی را که برای تقسیم بین روستائیان فرستاده‌اند بدستور اکبری نام کیلوئی ۲۰ ریال به روستائیان محروم فروخته شده است برای ما فرستاده‌اند.

ما جز ابراز تاسف از وضع نابسامان روستائیان وطنمان و انزجار از اعمالی آنچنانی چه میتوانیم بکنیم خداوند باین "برادران" قدری انصاف و مروت بدهد.

سبزوار ـ آقای محمد جمیلی در نامه مفصلی خدمات ارزنده چهره مبارز جبهه ملی ایران دکتر سنجابی وغیرقابل انعطاف بودن ایشان را تشریح کرده‌اند و در رابطه با انتخابات کرمانشاه نتیجه گیری کرده‌اند که این ناملایمات اثری در روحیه قوی ایشان ندارد.

با اجازه استاد ارجمند دکتر سنجابی از دوست مبارز مان سپاسگزاری میکنیم.

تهران ـ آقای فرهاد برومند ـ نوشته شما با مطلع "ای وطن تا که مه ومهر بود تابنده ـ با دنام توبسردفتر دل پاینده" رسید احساسات ملی ومیهنی شما را تقدیس میکنیم.

تهران ـ دوست رزمنده "فانوس" شعر زیبای سنگر مصدق را برایمان فرستاده‌اندکه بااجازه ایشان درج آن را به موقع مناسب مثلا "زاد روز این مرد بزرگ موکول میکنیم

تهران ـ ف محمدی ـ از ماخواسته‌اند درمورد اینکه اشکالات نظام آموزشی دانشگاهی کشور در کدام مسائل وجوانب وجوددارد در روزنامه مطالبی درج نمائیم که ضمن تشکر امیدواریم نظرشان را تامین نمائیم.

تهران ـ آقای شکرالله علیدوست از ما پرسیده‌اند: آیا کاهش غیر منتظره وسریع رای‌دهندگان دلیل نشنیدن و بحساب نیاوردن توده عظیم مردم بوسیله مسئولین امر نیست؟ چرا و صدها دلیل دیگر.

پیام
جبهه ملی
نشریه سیاسی

یکشنبه ۱۸ خرداد ۱۳۵۹
شماره ۳۵ صفحه ۴

صاحب امتیاز : دکتر مهدی آذر
مدیر مسئول : اصغر پارسا
نشانی : خیابان کارگر (سمیری) نزدیک میدان انقلاب
تلفن : ۹۲۱۲۰۰

آلودگی معابر عمومی عامل مهم شیوع وبا وانواع بیماریهاست

بقیه از صفحه ۱

قبیل چنارها در عین اینکه همواره آب درپای آنها جاری است خشک شده‌اند آیا این خشک شدن درختها دلیل دیگری غیر از زهرآگینی وتعفن آبهای پای آنها میباشد ؟

مثل اینکه اداره‌کنندگان امور بهداری و بهزیستی کشور، هرگز از این کوچه‌ها وخیابانها نمیگذرند و وضع آنها وکثافت وآلودگی اشمئزازآور ونفرت ـ انگیز آنها را نمی بینند و فکر نمی‌کنند که یکی از وظایف بلکه مهمترین وظیفه آنها اقدام و الزام به پاکسازی معابر عمومی ومجاری آبها و جلوگیری از آلوده شدن آنها بتوسط شهرداریهاست . در بسیاری جاهای شهرهای ما و مخصوصا " درقصبات وروستاها که متصدیان امور بهزیستی و بهداری مرتبا " دم از غمخواری در باره سکنه آنها می زنند فاضل‌آبهاو آبریزهای مستراح ها از طریق معابر عمومی به نهرها و رودهای داخل یاکنار روستاها منتهی میشوند و روستائیان که دائما " در صدد داشتن بهداری و طبیب و درمانگاه می باشند بدست‌خود و عالما " و عامدا " زندگانی خود و همسایگان و تمام‌کسانی که ممکن است، از آب نهرها و رودهای حامل قازورات آنها استفاده کنند می شوندو باید که همه‌آنها با تعلیمات بهداری ها از مضرات کثافت‌کاریهای خود آگاه شوند واز ریختن زباله و باز کردن فاضل‌آبها بکوچه‌ها و گذرهای ده و نهرها ورودها خودداری کنند و نیزمقامات مربوط دیگر را وادار به ممنوع ساختن این قبیل کارهای‌خلاف بهداشتی وبهزیستی بنمایند .

تمام گذرگاههای خلوت تهران مبال و مستراح عابرین وکسبه مجاور و بالخصوص بساط دارهای حاشیه خیابانها و مشتریان پیسی وکوکافروشیهای متفرق وبدتر ازهمه‌سبزی‌فروشها و بدتر از همه سبزی فروشها و میوه و آب میوه فروشهای بی شمار کنار خیابانها و سرگذرها است که کالاهای خود را در آبهای کثیف نهرها می‌شورند و باین ترتیب به کثافت و آلودگیهای معمولی خود آنها می افزایند وروز بروز هم بر عده آنها افزوده می شود زیرا فعلا " هیچ گرفت وگیر واشکالی برای توسعه و رواج آنها نیست .

من باید بالخصوص کباب جگر و قلوه فروشهای سرگذرها و کوچه‌ها را ذکر کنم که کثافت‌ها و آب‌های شست و شوی کالای خود را در کوچه‌ها می پاشند و یا در مجاری آبها میریزند و بیدریغ به اشاعه بیماریها و مخصوصا " بیماریها وانگلهای دامی کمک فوق‌العاده می‌کنند این وظیفه وزارت بهداری و بهزیستی است که بهر صورتی هست به جلوگیری‌ازروزافزونی این قبیل غذا فروشیهای ضد بهداشتی و حتی از برچیده شدن آنهائی که تا بحال‌دایر شده است اقدام کند ومقامات شهرداریها یا حکومتی را وادار به اقدام بنماید .

یک راه عملی و موثردر باب این قبیل امور که جبهه ملی مکرر یادآوری کرده است و انشاءالله باید با ابتکار و اهتمام وزارت بهداری و بهزیستی و اقدام شهرداری از قوه بفعل آید وضع قوانین صریح و قاطع برای جلوگیری از ریختن زباله‌ها و آشغالهای منازل از طرف مردم و کسبه و دکاندارها درکوچه ها و خیابانها و بطورکلی در معابر عمومی می باشد همچنین برای حت انضباط‌وانتظام درآوردن کسب و کار و دایر کردن بساط و دکه در نواحی مختلف شهرها و دهات و کنار جاده‌ها و میدانهای عمومی‌قوانینی‌لازم است که ماموران مربوط با در دست داشتن آنها بتوانند از رواج آنها جلوگیری کرده و متخلفان‌را تعقیب وبازخواست کنند .

دکتر مهدی آذر

نکته‌ها

بهترین کشور وبهترین مجلس

اگر بتوانیم کلیه خدم نفاهم ها و جنگ و جدلها ودرگیریهای‌شهری و خیابانی ناشی از برخورد اندیشه‌های سراسر کشورمان را به مجلس ببریم و تفاهم‌ها و متفق‌القولی‌و آرامش و یکپارچگی مجلسمان رابه شهرها وخیابانها اهداکنیم آنوقت است که میتوانیم ادعا کنیم بهترین کشوروبهترین مجلس را داریم .

بی اعتباری اعتبارنامه‌ها

سرپرست وزارت کشور اعلام کرد اعتبار ـ نامه‌هائی که قبل ازابطال انتخابات بعضی ازحوزه ها داده شده باشد از نظرما معتبر نیست .

کاش آقای‌سرپرست وزارت کشورمیدانست که عین این احساس بی‌ـ اعتباری را مردم اکثر نقاط کشورمان نسبت به بعضی از اعتبارنامه‌هائی که از نظر ایشان معتبر است دارند .

انگیزه

خواندیم که ۱۰۰۰ زندانی بمناسبت ۱۵ خرداد آزاد میشوند .

امیداست انگیزه این اقدام قبل از آنکه مبتنی بر احتیاج ونیاز به مکان وجای زندانیان آزادشده برای نوعی‌دیگر از زندانیان باشد کامی باشد در راه یک اقدام اصلاح‌طلبانه ومثبت .

خبرهای کوتاه

اطلاعیه کمیته برگزار کننده هفته دکتر مصدق

بدینوسیله باطلاع کلیه هم مسلکان و گروههای ملی و مترقی میرساند که چون روز دوشنبه ۲۶ خرداد ماه مصادف است با سالگرد تولد دکتر محمد مصدق بنیان‌گذار نهضت ملی ایران و روز پنجشنبه ۲۹ خردادماه سالروز خلع ید از امپریالیسم جهانخوار انگلیس و شهادت معلم‌کبیردکترعلی شریعتی می‌باشد لذا سازمان جوانان (دانش آموزان و دانشجویان) جبهه ملی ایران نمایشگاه عکس‌طرح ، پوستر ، فیلم ، اسلاید و جلسات سخنرانی بعنوان هفته مصدق ، نفت ، شریعتی ترتیب داده است .

جهت همکاری با کمیته برگزار کننده مراسم این هفته هر روز ۶ تا ۷ بعدازظهر به ستاد برگزاری مستقر در محل تشکیلات مرکزی جبهه ملی تماس حاصل فرمائید .

کمیته برگزار کننده هفته دکتر مصدق

سخنرانی هفتگی جبهه ملی

امروز یکشنبه ۵۹/۳/۱۸ ساعت ۶ بعدازظهر جلسه سخنرانی هفتگی جبهه ملی در محل تشکیلات مرکزی جبهه (خیابان سیمتری کارگر مقابل ستاد ژاندارمری) برگزار میشود . دراین جلسه آقای دکتر محسن شفائی قاضی عالی مقام در باره عدالت اجتماعی سخنرانی میکنند . و سپس بسئوالات حاضران پاسخ داده خواهد شد . شرکت کلیه علاقمندان دراین جلسه آزاد است .

تقاضا از کلیه دوستداران جبهه ملی

برای تهیه آرشیو کامل روزنامه از هموطنان و هم ـ مسلکان عزیز خواهشمنداست درصورتیکه نشریات وروزنامه‌های شاهد ، نیروی سوم ـ باختر امروز و نشریات دیگر حزبی را که در سالهای ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۲ منتشر شده است و موجود دارند به دفتر روزنامه پیام جبهه ملی تحویل فرمایند موجب کمال تشکر است .

انتشار سالنامه

سی و پنجمین دوره‌ی سالنامه کشور ایران به کوشش محمدرضا میرزا زمانی در ۴۴۸ صفحه انتشار یافته است .

این سالنامه متضمن تقویم روزانه سال ۱۳۵۹ و مقالات متنوع و وقایع مهم مملکتی و نیز اشعاری جالب از متقدمین و معاصرین در آن بطبع رسیده است .

ما مطالعه این مجموعه را به علاقمندان علم و ادب و سیاست ، توصیه نموده و موفقیت روز افزون مدیر فاضل آن را آرزومندیم .

بیانیه‌شورای‌مرکزی

بقیه از صفحه ۱

مهمه زیر را ضروری میداند :

الف ـ مطابق‌اصل ۱۵۸ قانون اساسی‌جمهوری اسلامی در فصل مربوط به قوه قضائیه شورایعالی قضائی از پنج نفر عضو تشکیل میشود :

۱ ـ رئیس دیوانعالی کشور ۲ ـ دادستان کل کشور ۳ ـ سه‌نفرقاضی مجتهدعادل با انتخاب قضات کشور لفظ (قاضی‌و قضات) در این اصل که‌درمقام‌بیان‌تشکیلات‌قضائی دادگستری‌است ،ظهوردرقاضی دادگستری‌دارد و مراد ازآن قاضی‌دادگستری‌است نه‌قضات مراجع‌اختصاصی‌ازقبیل‌قضات دادگاههای نظامی و اداری و امثال‌آن‌و نظربا‌بنکه‌دادسراها و دادگاههای انقلاب خارج‌از شمول دادگستری هستند لذا قضات‌شاغل آنها نیز مرجع اختصاصی محسوبند و اعطای حق انتخاب کردن و انتخاب شدن‌در انتخابات شورایعالی قضائی‌که از ارگانهای اصلی دادگستری‌است به آنها مغایر مدلول اصل فوق‌است و اگر زعمای‌امرشرکت‌قضات‌دادسراها و دادگاههای انقلاب را در انتخابات شورایعالی ضرور بداندحق اینست که بدوا" با وضع‌قانون خاص قضات صالح این نهادهای انقلابی را در خدمت‌دادگستری بپذیرند تا بدینوسیله‌علاوه براینکه‌منظور آنهاحاصل‌گردد قانون‌اساسی نیز از تعرض مصون ماند ،

ب ـ باآنکه حق‌انتخاب اعضاء شورایعالی قضائی بوجه لاعلی‌التعیین به قضات دادگستری تفویض شده است ، حصر این‌حق به قضاتی که در دادسراهایا دادگاهها اشتغال دارندومحروم‌کردن قاضیانیکه در سایر واحدهای قضائی از قبیل سازمان بازرسی کل‌کشور و اداره حقوقی و اداره‌ی کل تصفیه و اداره فنی‌و امثال‌انجام‌وظیفه میکنندو اکثر آنهابلحاظ طول خدمت‌قضائی‌سالها درددادسرا و دادگاهها خدمت کرده و تجربه‌های‌سازنده اندوخته‌اند خلاف‌اصل و نقض غرض‌است .

ج ـ شرط داشتن لااقل سه‌سال سابقه‌کار قضائی‌قضات دادسراها و دادگاهها برای شرکت در انتخابات اعضای شورایعالی‌قضائی منطقا براین فرض استوار است که قضائی که کمتر از سه سال سابقه کار دارندآشنائی کمتری به‌مصالح قوه قضائیه و موازین و اصول دادگستری‌دارندو این موضوع عیناًدرموردقضات دادگاههای انقلاب‌نیز صادق‌است ، بنابراین معاف داشتن قضات دادگاههای‌انقلاب ازاین‌شرط ترجیح بلامرجح خواهد بود و اگر ضرورت شرکت بلاشرط آنها را در انتخاب اعضای شورا ایجاب میکند ، عدالت مقتضی حذف شرط در مورد قضات دادگستری خواهدبود .

د ـ معمولا شرایط انتخاب شونده‌درهمه‌قوانین‌انتخاباتی مشکلتر ازشرایط انتخاب‌کننده است‌و بدیهی‌ترین آن اینست که کسانی‌که حق انتخاب‌کردن ندارند بقیاس اولویت حق انتخاب‌شدن نیز نباید داشته باشند ولی در لایحه قانونی راجع به انتخاب سه نفرازقضات کشوربرای‌عضویت‌درشورایعالی قضائی داشتن سه سال سابقه برای انتخاب کنند: شرط شده ولی‌انتخاب‌شونده با هرمیزان سابقه قضائی میتواند انتخاب شودهمچنانکه‌قضات‌دادسراهای انقلاب‌که‌حق انتخاب کردن ندارندمیتوانند بعضویت‌شوری انتخاب شوند .

هـ ـ عبارت "سه‌نفرقاضی مجتهد و عادل به انتخاب قضات‌کشور" در اصل‌یکصدو پنجاه و هشتم افتاده اشتغال به امر قضاوت حین انتخاب میکند و قضات بازنشسته و مستعفی و برکنار شده را در بر نمیگیرد .

بنابراین‌شرط پیش‌بینی شده‌در لایحه‌قانونی‌مورد نظر که باعبارت "سابقه کارقضائی دروزارت‌دادگستری‌یا دادگاهها و دادسراهای انقلاب" بیان شده ، عدول از صراحت اصل نامبرده و مغایر باآنست و اگر سابقه قضاوت برای انتخاب شدن کافی باشد در انتخاب کردن‌نیزهمین‌شرط کافی‌خواهد بود . چون‌در اصل مزبور ازهر دو بیک‌لفظ (قاضی و قضاوت) نام برده شده است .

و ـ در بند ۸ ماده۳ لایحه‌قانونی قید شده که‌کارت انتخاب‌که بنام کلیه قضات باا‌سامی‌کاندیدافرستاده‌میشود پس از درج نام قضات مورد انتخاب باید کارت را ، رای‌ـ دهنده امضاء کند و در پاکت لاک‌ومهر شده به‌هیئت‌نظارت بفرستدکه این‌امر نیز برخلاف اصول‌معمول‌در انتخابات‌است چه‌برای‌تامین‌آزادی افرادرای باید‌مخفی باشدو روشی که‌در لایحه‌اتخاذشده‌تضییقی مسلم بر آزادی‌رای قضات کشور وبه عبارتی‌تفتیش آراء خواهدبود و دلیل موجهی بر انصراف و عدول قانونگزار (شورای‌ـ انقلاب)از رسم‌و روش‌متداول انتخابات وجود ندارد .

ز ـ بموجب بندهای۵و ۶ماده سه لایحه قانونی مورد نظر هیئت نظارت بایدظرف سه‌روزکتبا ازنامزدان‌انتخاباتی قبول‌آنهارابپرسدو کاندیداها نیز بایدتا پایان وقت اداری روز سوم‌آمادگی خود را برای نامزدی کتبا به اطلاع هیئت نظارت برسانند .

حال اگر نامزدان انتخاباتی‌درشهرستانهای‌دور و نزدیک ساکن باشند ، این پرسش و پاسخ ظرف سه‌روز چگونه صورت خواهد گرفت و اگر موافقت کتبی نامزدان بعلت مشکلات پستی (که‌قهرا مانع‌از وصول‌پاسخ درا‌ینمدت کوتاه خواهد بود) بعد ازسه روز بدست‌هیئت نظارت‌رسید چگونه میتوان آنها را از حق انتخاب‌شدن‌محروم کرد وآیا چنین مقرراتی بمعنی محروم کردن نامزدهای شهرستانها از انتخاب‌شدن‌نیست وهمین اشکال در بند ۱۰ ماده سه لایحه مزبور مبنی بر اعطای مهلت هفت روزه برای تسلیم آراء‌ای‌دهندگان‌شهرستانی‌به هیئت‌نظارت نیز وجود دارد و اصولا چرا نباید ترتیبی داده شود که هر کس رای خود را در صندوق محل‌کار خودیا لااقل صندوق مستقردرمرکزهراستان بریزد ؟

جامعه‌قضات جمهوری‌ـ اسلامی ایران نظر اعضای محترم‌شورای انقلاب اسلامی و شورای سرپرستی وزارت دادگستری را به نکات مذکور جلب مینماید و تقاضا دارد بمنظور رعایت بندهای ۸ و۹ از اصل۶ و ۱۵۸ قانون‌اساسی جمهوری اسلامی قبل از اجرا این لایحه قانونی را مورد تجدیدنظرقرار دهندتاقضات کشور بتوانندبا برخورداری‌از برکات آیات کریمه قرآن "امر هم‌شوریبینهم " و شاورهم‌فی الامر" با دلگرمی و امیدواری در تعیین سرنوشت سازمان قضائی شرکت و مداخله موثر داشته باشند . بهر تقدیر با حفظ ایرادات فوق اسامی اشخاص‌ذیل‌را که بنظر اعضاء شورای مرکزی جامعه قضات جمهوری اسلامی ایران واجد شرایط و فضائل و خصوصیات لازم‌جهت تصدی عالیترین مقامات قضائی کشور و اداره قوه قضائیه‌بوده و در حدود مقررات‌لایحه قانونی راجع به انتخاب سه‌نفر از قضات کشور برای شورایعالی قضائی نیز واجد‌شرایط میباشند بعنوان کاندیدای‌جامعه اعلام میکند

۱ـ علی‌اشرف‌ـ منوچهری قاضی بازنشسته وزارت دادگستری (مستشار دیوانعالی‌کشور) ۲ ـ دکترـ ناصر کاتوزیان قاضی سابق دادگستری ۳ ـ دکتر حسن‌ـ مرتضوی‌مستشار دادگاه عالی انتظامی قضات ۴ ـ دکترـ عبدالمجید جلیلی دادیار دیوانعالی‌کشور ۵ ـ فتح‌الله‌ـ بنی‌صدر قاضی دادگستری ۶ـ دکتر اسدالله مبشری‌قاضی بازنشسته‌واولین‌وزیردادگستری دولت‌موقت‌انقلاب ۷ـ دکترـ حسینقلی‌حسینی‌نژاد‌مستشار دیوانعالی کشور ۸ ـ دکترـ حسن فقیه نخجیری معاون وزارت‌دادگستری۹ـ علی‌رزاز مستشار دیوانعالی کشور ۱۰ـ هادی‌هدی‌معاون‌بازرسی کل کشور ۱۱ ـ دکتر نعمتـ مختاری‌رئیس کل دادگاههای عمومی‌تهران ۲۱ـ دکترمحمدـ حسین هاشمی رئیس شعبه۱۷ دادگاههای عمومی .

شورای مرکزی جامعه قضات‌جمهوری اسلامی ایران

دکتر مدنی: تاروشن ..

دراین کشور قوانین آشکارا نقض‌میگردد .اما این‌نخستین بار است که هنوز چند روز از افتتاح‌مجلس‌نمیگذرد ،مصونیت قانونی یک نماینده مجلس نقض‌و آشکارا بحریم‌قوه‌مقننه تجاوز میشود .از این جهت مصرا خواستارم که :

اولا" ریاست محترم مجلس مقرر دارند تا وزیر محترم کشور در مجلس حاضر شوندو توضیحات‌لازم‌رابسمع نمایندگان محترم برسانند .

و نیزخاطر نمایندگان را آگاه دارندکه تاکنون چه اقداماتی جهت‌روشن شدن قضیه و نیز چه اقداماتی جهت تعقیب قانونی عاملین حادثه انجام پذیرفته است .

ثانیا" پیشنهاد‌مینمایم که جریان و چگونگی رسما در مجلس‌به استحضار نمایندگان ملت‌برسدو تعدادی ازآقایان نمایندگان جهت رسیدگی به حادثه مزبور مامور گردند و ظرف‌یک‌هفته‌نتیجه تحقیقات خودرابه مجلس‌گزارش‌دهند .

ثالثا اینجانب تا آغاز رسیدگی‌رسمی از طرف دولت ومجلس‌نسبت به وقوع حادثه وشناسائی‌مسببین‌امر وتحویل خاطی‌یا خطاکاران به مراجع قانونی از شرکت در جلسات علنی مجلس معذورم .

پس از ۴۸ساعت ...

که برخلاف قانون به حریم آزادی‌مردم‌حمله کرده‌وباعث ایجاد ناامنی و عدم امنیت می‌گردندابرازانزجارمینماید .

جبهه‌ملی ایران برای جلوگیری از تکرار این گونه اعمال‌ناگوار وبه‌منظورصیانت و جلوگیری از تجاوز به حریم آزادی ، از مقامات مسئول مملکت‌انتظار دارد ،اقدامات سریع و قاطعی‌به عمل‌آورند .

گرانی قیمت‌ها بازور ..

بقیه از صفحه ۱

اداری‌وآموزشی‌وصنعتی‌گردید که در حقیقت عامل مهم‌فلج رژیم طاغوتی شد .

بازار در این ابتکار به کارمندان‌و کارگران واستادان قول داد نگران حقوقهای‌قطع شده خود نشوند ، همه این اعتبارات‌را بازار تامین‌میکند مبتکرنخستین راه‌پیمائی‌بزرگ و کوبنده طاغوت در عیدفطر بازاری بود که کلنگهای نابود کننده بر پی‌های دستگاههای طاغوتی فرود آورده حال آنهائیکه‌دشمن‌انقلاب ، دشمن اسلام ، دشمن مردم هستند بدین اندیشه‌ناپاک افتاده‌اند از حساسترین‌نقطه به انقلاب ضربه‌واردکنند از اینروتصمیم گرفته‌اند با توجهات پوچ و عامیانه ،بازار را رویا روی انقلاب‌قرار دهند ،باین‌جهت باهمه قدرت می‌کوشند بعضی از گرفتاریهای اقتصادی و اجتماعی را متوجه بازاریان سازند .

افزایش بهای جنس ارتباطی به بازار ندارد تابع یک‌پدیده علمی و اقتصادی اصل‌عرضه و تقاضاست . وقتی مسئله تولیدبر بنیادی‌درست انجام گیرد ، گران فروشی بخودی خود از بین میرود . بعنوان‌مثال چندی پیش‌بهای باقلا کیلویی ۸۰ ریال بود . بیکاربخودی‌خود به ۱۲ریال رسید (نه‌انصاف باقلا فروش بهترشدو نه توسط شلاق باقلا به ۱۲ ریال‌رسید) برای‌اینکه تولیدبیشتر شد ،عرضه بالاتر رفت .

نابسامانی‌اوضاع‌اقتصادی بیکاری ، گرانی و تورم ربطی به بازار ندارد . علت اصلی آن غلط بودن مشی اقتصادی مسئولان‌امر است که بایدبا طرح‌و تنظیم‌برنامه‌های‌حساب شده در صدد رفع این مشکل بزرگ برآیند .

مشکلات‌اقتصادی‌را باید ازراههای‌علمی‌حل کرد . اصل تورم یا گرانی قیمت را بازور و شلاق‌نمی‌توان‌بجایی رساند در زمان طاغوت نیز مسئولان امر سوراخ دعا را گم کرده و می‌خواستندازراه‌فشاربه‌بازاری مشکلات تورم و گرانی را حل کنند که خود مزید بر علت و موجب وخامت اوضاع گردید . بازاری‌منکر این واقعیت‌نیست که همیشه‌در همه‌جا و درمیان هر صنف‌و افرادمعدودنابابی هستند که هیچگاه اهل‌عقیده و جهاد و تقوی نبوده همیشه دنبال‌سودجوئی و احتکار و استثمار بوده‌اند که حساب آنان از اکثریت مردم بازار جداست‌مانیز مخالف روشهای شدیدو قاطع بااینان نیستیم .

ولی نباید اجازه داده شودضد انقلاب از این مسئله سوءاستفاده‌کندو مبانی‌وحدت وهمبستگی‌وخوش‌بینی بازاریان را متزلزل سازد و این سنگر همیشه آماده به جهاددر راه جامعه و بخصوص این کانون اسلامی را تبدیل به یک مرکز بی‌تفاوتی و بیطرفی کند .

اگرضدانقلاب در لباس انقلاب موفق باینکار شود ، ضربه بزرگی در این برهه‌از زمان که ما بیش از هر موقع نیاز به‌وحدت داریم واردکرده است .

آیااین توهین‌به‌انقلاب توهین به تاریخ ، توهین به اسلام و جامعه ایرانی نیست که‌بازاری را که همواره در راه عقیده و جهاد از همه چیز گذشته‌واردردیف‌قاچاقچیان این سوداگران مرگ که گوشت و خون و هستیشان از نابودی خانواده‌ها و نسلهای‌نودرست شده قرار دهیم .

من بعنوان یک عضو کوچک‌بازار و بعنوان‌یک‌خادم کوچک انقلاب خودرا موظف دیدم‌این حقایق را بنظرآن حضرت برسانم تا ضدانقلاب نتواند از این رهگذر ضربه‌ای به انقلاب ما وارد آورد .

استدعای من اینست توجه‌خاصی‌باین مسئله‌مبذول فرموده دستوردهندهرا‌قدامی در این موردبعمل میاید با دقت و بیطرفی و با مشورت خودبازاریان و کسانی باشد که‌همیشه طلایه‌داران حرکتها و نهضتهای ضداستعماری و اسلامخواهی بوده‌اند .

با تقدیم احترامات

قاسم لباسچی